

## عنوان مقاله:

ادبیات اعتراضی انتقادی و بازتاب آن در دیوان بهار

## محل انتشار:

همایش ملی ملک الشعراء بهار (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

## نویسندگان:

علی عین علیلو - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

حسین اسماعیل لو - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نقده

## خلاصه مقاله:

تحولات اجتماعی سهم عمده ای در شکل گیری مفاهیم ادبی هر کشوری دارد. ادبیات اعتراضی و بیان انتقادی، با نابسامانی های سیاسی اجتماعی نظام حکومتی و رفتارهای ناسنجیده عامه مردم به اوج خود می رسد. هرچند که گونه هایی از شعر و نثر انتقادی در تمامی ادوار شعر فارسی دیده می شود، اما دوره اصلی ادبیات پرخاشگرانه ایران از دوره مشروطه آغاز می شود که سخت تحت تاثیر تجدد ادبی و تغییرات سیاسی خارج از کشور بود. مقایسه اوضاع داخلی ایران با جهان پیرامونی و مشاهده تفاوت های اساسی آن دو، عصیان علیه نظام جاری را باعث شد. از نظر محتوا، برجسته ترین وجه شعر و ادبیات این دوره، تجلی انتقادات اجتماعی در سطحی گسترده است. عدالت خواهی، استبداد ستیزی، تساوی حقوق، آزادی خواهی، قانونگرایی، حقوق کارگران؛ مهم ترین و عمده ترین فریادهای عصیان گرانه ای بودند که ادبای عصر مشروطه سر می دادند. ملک الشعرا بهار به عنوان یکی از برجسته ترین شاعران این دوره، اعتراض خود را نسبت به کاستی های سیاسی اجتماعی نشان داده است. وی در مرحله دوم از حیات ادبی و اجتماعی خود، آگاهی بخشی را رسالت خود دانسته و تنویر افکار عمومی را در لباس شعر اعتراضی، سر لوحه کار خود قرار داده است.

## کلمات کلیدی:

ادبیات فارسی، شعر مشروطه، شعر اعتراضی انتقادی، ملک الشعرا بهار

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/868048>

